

## و ندیداد

قسمت سوم از کتاب اوستا . ترجمه آقای محمد علی داعی الاسلام

مقدمه این کتاب که قدیم ترین سند تاریخ آریاست و علامه معظم آنرا از قدیم ترین زبان ایران بفارسی امروز برگردانیده و با بنطریق خدمتی ادبی و تاریخی بکشور خود زبان فارسی نموده اند بلاقلم میشود

اوستا نام کتاب دینی زردشتیان است و در زبانی است که جد فارسی امروز ما است و قدیمی از اعصار قدیمه ایران، ایرانیان در آن زبان تکلم هم میکردند . شباهت تامه به زبان قدیم هندوستان سنسکریت دارد اما خطش غیر از خط آن است. از برادر اوستا (سنسکریت) ادبیات فراوان بجا است اما از زبان اوستا تنها يك کتاب منسوب به زرتشت که دارای پنج حصه است باقی مانده. جهت این است که فطرت هندیها محافظه کار است که تا حال اکثریت اهل هند (هندوها) دین آریایی چذده هزار سال قبل خود را نگاه داشتند و زبان سنسکریت را که زبان کتب دینی ایشان هم هست زبان خدایان خود دانسته بر پاکیزگی و وسعت آن افزوده علمی ترین زبان آریایی جهان ساختند که امروز قابل است ریشه تمام زبانهای آریایی اروپا و ایران را بدهد و معنی هر لفظ السنه تکلمی آریایی امروز را واضح سازد و چون فطرت ایرانیان انقلابی است هیچ چیز ایران دیرپانست . تا حال چند بار زبان و دین خود را عوض کردند و ادبیات هر عصر خود را از دست دادند؛ اکنون از زبانها و ادیان قدیم ایران تنها نمونه هایی از سه زبان که اوستا و هخامنشی و پهلوی است باقی مانده . از اوستا و ادبیات مختصر پهلوی نمونه دین زردشتی هم بدست میآید و از کتیبه های هخامنشی دین مزدیسنی مفهوم میشود. زبان و خط فارسی امروز ایران بعد از مسلمان شدن ایرانیان بوجود آمد و متجاوز از هزار سال دوام کرده و اتفاقاً در السنه امروزی گیتی مانند طاوسی است در پرندگان با این حال فطرت انقلابی ایرانیان دارد از آن هم بیزار میشود . در چند سال قبل دو کارخانه زبان سازی در طهران دائر شده بود. اگر زمانه معلق نمیزد طاوس ما بریده بود و ادبیات هزار ساله ما که باعث افتخار ما و نفع جهان است نا مفهوم و بتدریج معدوم میشد .

اوستا دارای پنج حصه است. ۱- یسنا که در آن سرودها و پرستشها است و گائتها که سرودها و مناجات زردشت است جزء همین حصه است. ۲- ویسپرد که در آن ادعیه و نمازها به معبودان است. ۳- و ندیداد که در آن احکام شریعت زردشت است. ۴- یشتها که در آن ستایش و سپاس و پرستش خدا و فرشتگان است. ۵- خورده اوستا که در آن ادعیه و نمازها است .

من اول و ندیداد را برای ترجمه باین جهت انتخاب کردم که در آن احکام دین زردشت است و برای ایرانیان امروز دلچسب است که بدانند احکام دین قدیم آنان چه بوده و بتوانند با شریعت امروز خود مقایسه و مقابله کنند . مقصود من از ترجمه و ندیداد خدمت علمی و تاریخی و ادبی است که کتاب قدیم ترین زبان ایران را بجدیدترین زبان آن آوردم .

انتخاب من و نندیداد را باین سبب مهم هم بوده که باب اول و دوم آن خانه وزمین مسکون اول قوم آریا را نشان میدهد و قدیم ترین سند تاریخی قوم آریا است و شاید پیش از کتاب ود (بکسرواو) هندوها نوشته شده باشد سالهاست این ترجمه در کتابخانه من مانده. و سائل طبع فراهم نمی شد. میخواستیم اینطور چاپ شود که سطرهای اصل و نندیداد داده شود. در زیر آن ترجمه لفظی فارسی هر لفظ اوستائی و در سطر سوم معادل سنسکریتی هر لفظ اوستائی مرقوم باشد و چون يك فقره اصل با آنطور داده شد ترجمه فارسی آن داده شود و با هر فقره بعد همانطور رفتار گردد که دارای اصل و ترجمه لفظی فارسی و معادل سنسکریتی و ترجمه معنوی فارسی باشد و میخواستیم برای کتاب مقدمه ای چاپ شود که دارای موضوع های ذیل است!

- ۱- خودآموز زبان اوستا مانند خودآموز زبان سنسکریت که در مقدمه جلد چهارم فرهنگ نظام نوشتیم تا خواننده ترجمه از تطبیق با اصل اطلاع پیدا کند.
- ۲- زبان و حقیقت زردشت و تعلیمات او.
- ۳- تاریخ تألیف اوستا و مؤلف آن.

اما چون کاغذ و مزد طبع بسیار گران است و از من میسر نیست عازم شدم بار اول ترجمه تنهارا چاپ کنم و بعد از فروش نسخ آن شاید وسائل طبع مجدد آن با مزایای مذکور فراهم شود. کیفیت ترجمه  
 زبان این ترجمه همان زبان تکلمی امروز ایران است و بر خواننده ترجمه معنی اصل بکلی مفهوم است و ترجمه هیچ لفظی از اوستا حذف نشده و هیچگونه انحراف یا خیانتی در ادای مطالب اصل در ترجمه نکردم. ترجمه ام علمی صرف است. فارسی دانان زردشتی مطمئن باشند که در کتاب دینی آنها تحریفی نشده است. ترجمه مطابق با اصل است و چون در زبان تکلمی است هر فارسی دانی آنرا درست میفهمد. ترجمه اروپائی این گونه کتب مهمه لفظی است. قابل فهم عموم نیست. برای مستشرقین است که ترجمه هر لفظ کتاب و سبک ترکیب بندی جمل و عبارات اصلی را قیاس کنند.

از زبان اوستا تنها يك کتاب باقی مانده که دارای پنج حصه است اما از زبان برادرش سنسکریت صدها کتاب موجود است و هزارها ادیب در آن در هر زمان بوده و هستند. فهم کتاب اوستایی مدد سنسکریت امکان ندارد و قواعد صرف و نحو اوستا هم از قواعد سنسکریت گرفته شده. من در ترجمه این کتاب در هر جمله و لفظ دست استعانت به برادر اوستادرازمیکردم. در نتیجه هر جای این کتاب را که ترجمه پهلوی و گجراتی و اروپائی لاینحل نوشتند من حل کردم و هر جایی را که بی ربط تصور کردند من ربط را پیدا کردم چنانکه در جای جای حواشی این ترجمه نشانادم.

معنی لفظ و نندیداد | لفظ و نندیداد محرف از وی دو - داته **داده** و **دیده**

با کسر واو و سکون یاء و کسر دال و فتح واو است بمعنی قانون ضد دو (بکسر دال و فتح واو) دی بمعنی ضد است. دو همان است که در فارسی دیوشده و داته همان است که در فارسی داداست بمعنی قانون. لفظ دی دو - داته در اوستا مکرر آمده از جمله

در باب پنجم و نبداد از قره ۲۲م ۲۵ و بسیاری از احکام مذکور در و نبداد برای تارا نندن دوها است از مؤمنان زردشتی. ازین جهت این کتاب قانون ضد و نامیده شد .

### دویاد یوچیست

برای فهمیدن حقیقت دین زردشتی و دیو باید رجوع به شریعت و تاریخ هندوهای امروز هند بکنیم چون ملت محافظه کار هند و بسیاری از عقاید و اعمال اصلی آریاراننگاه داشته است اما آریاهائی که در ایران و اروپا پهن شدند مکرر عقاید خود را تغییر دادند و آثار کمی از قوم اصلی آریادارانها باقی است . در زبان سنسکریت آریه بمعنی آقا است که آن قوم هرملکی را فتح میکرده بخود آریه میگفته و و بر سکنه اصلی آن ملک واسه میگفته بمعنی غلام . قوم آریا معتقد بخدایان بسیاری بوده و بهریک دو میگفته و یک دسته خدایان بدهم داشتند بنام اسور ( با فتح همزه و ضم سین و فتح راء ) تا کنون هندوها دوها را میپرستند و به اسورها ملامت میفرستند . آریائیهای ایران از جهت رقابت سیاسی با همسایگان هندی خود یا از اثر آب و هوا و محیط مسکن جدید بعکس رفتار کردند یعنی اسورها را پرستیدند و دوها را بدو قابل مذمت دانستند . حرف سین سنسکریت در اوستا مبدل به هاء میشود که اهورهای اوستا همان اسورهای سنسکریت است . در عقیده اصلی آریا دوها همه اصلی و غیر مخلوقند. همچنین اسورها همه اصلی و غیر مخلوقند. اما ایرانیها در هر دو دسته توحید قائل شدند که در میان اهورا هایکی مزد (بفتح میم و سکون زا و فتح دال) است یعنی عالم مطلق و باقی اهورها فرشتگان مخلوق او، و در میان دوهایکی اصلی است که اهرمن هم نامیده میشود و باقی مخلوق او .

بعد از آن اصلاح عقیده ایرانیان خود را مزدیسنی یعنی مزدپرست گفتند. آهور مزد را میپرستیدند و اهرمن و دوهای دیگر را مذمت میکردند . وسط و جنوب ایران همه مزدپرست شدند اما سه ولایت شمال ایران ، توران و مازندران و گیلان به دوپرستی قدیم آریا باقی ماندند و آسمان و هوای شمال ایران پر بود از دوها که معبودان اهل شمال بودند . بقعیده آریائیها خدایان ( دوها ) از پرستندگان خود غذا میگرفتند باین طور که پرستندگان، حیوانات را بعنوان قربانی در آتش می ریختند و از بو و دود آنها خدایان غذایی یافتند . مخصوصاً وقتی که باران نمی آمد دلیل بود که خدایان گرسنه اند . قربانی میسوختند تا خدایان سیر شوند و بران بفرستند. دوهای هوا و آسمان برای تحصیل غذا به هوا و آسمان شمال ایران میرفتند و از همانجا به مزده پرستان وسط و جنوب ایران حمله میکردند و ایشان را نجس و بیمار میساختند خصوص وقتی که باد شمال میوزید دوهای مازندران را بوسط و جنوب میآورد و آفات برای مزده پرستان فراهم میشد تا از میان مزده پرستان پیغمبری زردشت نام مبعوث شد و او

۱- چون حرف آخر عموم الفاظ فارسی ساکن است اگر در لفظی حرف آخر متحرك باشد باید حرف ها در آخر اضافه کرد که تلفظ نمیشود و نشان حرکت ماقبل است مثل شده و گاه . در قدیم حرف پاراضافه میکردند و بجای گله گلی مینوشتند - در د لفظ اهور مزد ممکن است باضافه ها اهوره مزده نوشت یا با اشباع زیر به الف اهورا مزدا نوشت .

از اهورمزد چاره کار دوها را پرسید و اهورمزد ادعیه و اعمال برای دفع دوها از مزده پرستان بیان نمود. آن ادعیه و اعمال در این کتاب است ازین جهت نام کتاب قانون ضد دوقرار گرفته.

آخر ولایات شمالی ایران هم زردشتی شدند اما اسباب و تاریخ زردشتی شدن ایشان معلوم نیست. ممکن است در اواخر سلطنت اشکانی یا در شاهنشاهی اردشیر ساسانی زردشتی شده باشند. همانطور که در دوبرستی مصر و غیور بودند در دین زردشتی هم شدند. دو بیست سال با اسلام مقاومت کردند تا سیدها با آنها رفته با تبلیغ ایشان را باسلام آوردند. پیش از زردشتی شدن شمال بتدریج عقیده اهل وسط و جنوب ایران این شده بود که دوها در مازندران بر زمین آمده در جنگلها مسکن گرفتند. وقتی که رسته پهلوان شاهنامه از هفت منزل کوهستانی البرز گذشته مازندران رسید گالشهای آنجا را که پوست پوشیده بودند و موهای شقیقه شان از کثافت بهم چسبیده و راست ایستاده بود دیو تصور کرده بود. چون خودش از مزده پرستان بود و دیده بود که ایشان تصویر دوها را باموی بدن و شاخ و دم میکشند. تا امروز هندوها هم خدایان بد یعنی اسورها را با شاخ و دم تصویر میکشند.

دیو (با تلفظ یاء) که در زبان فارسی امروز ما هست محرف لفظ دو (بکسر دال) است. جهت تحریف این بوده که چون تبدیل خط پهلوی بخط عربی اول در خراسان واقع شد ایشان دو را با یاء (دیو) نوشتند که حرف یاء علامت کسره دال باشد مثل تلفظ دروشر راهم با یاء (دیروشر) نوشتند. و بعد ایرانیان ولایات دیگر یاراهم بلفظ تلفظ کردند اما در قافیه مراعات اصل را ملحوظ میدارند که دیر و شیر را با تدبیر و زنجیر قافیه نمی بندند. از این قبیل اغلاط تلفظی در الفاظ فارسی بسیار است که در فرهنگ نظام دادم. در زبان سنسکریت لفظ دو بطور استعاره برای پادشاه و شخص بزرگ استعمال میشود. در مازندران هم ایام دو پرستی آن استعاره بوده که اکنون هم در کجور مازندران جمعی دو (بدون یاء) گفته میشوند و خانواده روساء ایشان دو سالارند. آقاعلی دو سالار که از مؤسسان سلطنت مشروطه و ساکن طهران است از آنجا است.

مانده از صفحه ۹۹

مردمان نه کنی بهیچ وجه و هر کس که ترا بران تجریص کند خصم جان خویش دانی و در همه اوقات تازه روی و خوش خلق باشی تا همه کس بتو میل کند «ولو کنت فضا غلیظ القلب لا انقضوا من حولک» و بر ظلم اقدام نه نمائی چه رعای مظلوم را حجاب نبود و با خلق منصف و نیکو معاملت باشی و با شریکان به تبرع و تفضل بسربری تا نیکو نام گردی و حسد و حقد در دل خود جای نه دهی که الحسود لایسود و هروقت به تکلف نه روی که گفته اند «التکلف شوم لانه لایدوم و باید که سخن خردمندان بشنوی و با اهل صلاح نشینی و سیرت ایشان گیری تا بهمه زبانها ستوده گردی و آنچه تعیین شده است از موسوم و وظیفه و رواتب خدمتگاران آنرا برسان یک چندی قناعت باید کرد و بتحصیل علوم مشغول تا پس از آنکه بدرجه استقلال و استبداد رسی برادر خویش در همه تصرف کنی انشاء الله تعالی» .

(دنباله دارد)